پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

# Transitioning from Reactive Protection to Proactive Governance of Iran's Cultural Heritage in Light of Human Rights and UNESCO Standards

**Amir Sabooki [1], Kourosh Ostovar Sangari [2*], Babak Baseri [3]**

1. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
3. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

**ARTICLE INFORMATION**

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 163-183

**Article history:**

**Received**: 15 Oct 2025

**Edition:** 01 Nov 2025

**Accepted**: 29 Nov 2025

**Published online:** 22 Dec 2025

**Keywords:**

Tangible Cultural Heritage, Proactive Governance, Property Rights, Public Interest, UNESCO Conventions, Heritage Impact Assessment, Trafficking of Cultural Property.

**Corresponding Author:**
Kourosh Ostovar Sangari

**Address:**
Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shi.C., Department of Law.

**Orchid Code:**
0000-0001-8135-1360

**Email:**
Kourosh.Ostovarsangari@iau.ac.ir

## ABSTRACT

**Background and Aim:** Tangible cultural heritage is a historical and intergenerational asset whose effective protection requires a coherent, preventive legal framework. This study identifies legal and institutional gaps in Iran and proposes a model aligned with international standards while balancing public conservation interests with the rights and responsibilities of private property owners.

**Materials and Methods:** This theoretical study employs a descriptive analytical method, comparatively examining relevant domestic legislation and international instruments, with attention to institutional structures and enforcement arrangements.

**Ethical Considerations:** Scientific integrity, honesty, responsible scholarship, and accurate source attribution were maintained throughout the research.

**Findings:** Despite numerous regulations and responsible institutions, Iran's legal system suffers from fragmented rules, overlapping mandates, weak preventive enforcement mechanisms, the absence of systematic heritage impact assessments, and a lack of integrated information systems. Moreover, inadequate mechanisms for compensating ownership restrictions discourage owners' participation in conservation. Comparison with international standards indicates that domestic provisions prioritize heritage registration and responses to violations, without sufficiently connecting prevention, ongoing management, oversight, and cross-border cooperation. Thus, the central challenge is not merely legislative insufficiency but structural misalignment between legal recognition, implementation, and institutional accountability.

**Conclusion:** The study introduces a "proactive governance model for tangible heritage" integrating comprehensive legislation, clearly allocated institutional responsibilities, heritage impact assessments, equitable compensation for property restrictions, integrated management, specialized adjudication, data-driven monitoring, and coordinated action against cultural heritage crime. By promoting participation among property owners and local communities, this model could facilitate a transition from fragmented, reactive protection toward continuous, preventive, and accountable heritage safeguarding.

**Cite this article as:** *Sabooki, A; Ostovar Sangari, K & Baseri, B. "Transitioning from Reactive Protection to Proactive Governance of Iran's Cultural Heritage in Light of Human Rights and UNESCO Standards". 2025.*

پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

دورۀ دوم، شمارۀ چهارم، زمستان ۱۴۰۴

# گذار از حفاظت واکنشی به حکمرانی پیش‌نگر میراث فرهنگی ایران در پرتو حقوق بشر و استانداردهای یونسکو

**امیر سبوکی [۱]، کوروش استوار سنگری [۲*]، بابک باصری [۳]**

۱. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۳. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

**اطلاعات مقاله**

**نوع مقاله:** پژوهشی

**صفحات:** ۱۸۳-۱۶۳

**سابقۀ مقاله:**

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

**تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

**واژگان کلیدی:**

میراث فرهنگی ملموس، حکمرانی پیش‌نگر، حقوق مالکانه، منفعت عمومی، کنوانسیون‌های یونسکو، ارزیابی اثر میراثی، قاچاق اموال فرهنگی.

**نویسندۀ مسئول:**
کوروش استوار سنگری

**آدرس پستی:**
ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق.

**کد ارکید:**
۰۰۰۰-۰۰۰۱-۸۱۳۵-۱۳۶۰

**پست الکترونیک:**
Kourosh.Ostovarsangari@iau.ac.ir

## چکیده

**زمینه و هدف:** میراث فرهنگی ملموس، سرمایه‌ای تاریخی و بین‌نسلی است که حفاظت مؤثر از آن مستلزم نظام حقوقی منسجم و پیشگیرانه است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی خلأهای حقوقی و نهادی ایران و ارائه الگویی متناسب با استانداردهای بین‌المللی انجام شده است.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش از نوع نظری و به روش توصیفی ـ تحلیلی است. قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی مرتبط با رویکرد تطبیقی بررسی و تحلیل شده‌اند.

**ملاحظات اخلاقی:** اصول اصالت علمی، صداقت، امانت‌داری و ارجاع دقیق به منابع در تمامی مراحل رعایت شده است.

**یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد نظام حقوقی ایران، با وجود تعدد مقررات و نهادهای مسئول، از پراکندگی قواعد، تداخل صلاحیت‌ها، ضعف ضمانت‌اجراهای پیشگیرانه، فقدان ارزیابی منظم اثر میراثی و نبود سامانه یکپارچه اطلاعات رنج می‌برد. همچنین، نبود سازوکار روشن برای جبران محدودیت‌های مالکانه، مشارکت مالکان در حفاظت را کاهش می‌دهد. مقایسه با استانداردهای بین‌المللی آشکار می‌سازد که قواعد داخلی بیشتر بر ثبت آثار و واکنش به تخلفات متمرکزند و پیوند کافی میان پیشگیری، مدیریت مستمر، نظارت و همکاری فرامرزی برقرار نکرده‌اند. بنابراین، خلأ اصلی صرفاً کمبود قانون نیست، بلکه ناهماهنگی ساختاری میان شناسایی حقوقی، اجرا و پاسخ‌گویی نهادی است.

**نتیجه:** نوآوری پژوهش، پیشنهاد الگوی «حکمرانی پیش‌نگر میراث ملموس» است که قانون جامع، تقسیم شفاف صلاحیت‌ها، ارزیابی اثر میراثی، جبران منصفانه محدودیت‌های مالکانه، مدیریت یکپارچه، دادرسی تخصصی، پایش داده‌محور و مقابله شبکه‌ای با جرائم فرهنگی را به هم پیوند می‌دهد. این الگو می‌تواند گذار از حفاظت پراکنده و واکنشی به صیانت مستمر، پیشگیرانه و پاسخ‌گو را با مشارکت مالکان و جوامع محلی تسهیل کند.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

## ۱. مقدمه

میراث فرهنگی ملموس صرفاً مجموعه‌ای از بناها، محوطه‌ها و اشیای تاریخی نیست؛ بلکه بخشی از حافظه جمعی، هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی جامعه محسوب می‌شود. همین ویژگی سبب می‌شود تخریب آن با خسارت واردشده به یک مال عادی تفاوت ماهوی داشته باشد؛ زیرا بخشی از ارزش تاریخی، اصالت و معنای اجتماعی اثر ممکن است برای همیشه از بین برود. در ادبیات حقوق میراث فرهنگی نیز مفهوم «میراث» از مالکیت صرف بر اشیا فراتر رفته و با منافع عمومی، حقوق فرهنگی و مسئولیت بین‌نسلی پیوند یافته است (پرات و اوکیفه، ۱۹۹۲؛ بلیک، ۲۰۱۵). از این‌رو، حمایت حقوقی مؤثر از میراث ملموس مستلزم سازوکارهایی است که علاوه بر شناسایی و ثبت آثار، پیشگیری از تخریب، مدیریت مستمر، نظارت و جبران خسارت را نیز تضمین کنند.

در نظام حقوقی ایران، قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، قانون مدنی، اصل ۸۳ قانون اساسی، قوانین برنامه‌های توسعه، مقررات شهرداری و شهرسازی، مقررات ناظر بر سازمان‌های متولی میراث فرهنگی و قواعد کیفری، مجموعه‌ای از حمایت‌های قانونی را پیش‌بینی کرده‌اند. با این حال، وجود این مقررات لزوماً به معنای شکل‌گیری نظامی منسجم برای حفاظت مؤثر نیست. قواعد مربوط به ثبت آثار، تعیین حریم، محدودیت‌های مالکانه، صدور مجوز مداخله، مسئولیت دستگاه‌های اجرایی و ضمانت‌اجراها در اسناد مختلف توزیع شده‌اند و ارتباط عملیاتی آن‌ها همواره روشن نیست. مسئله اساسی، صرفاً پراکندگی قوانین نیست، بلکه فقدان سازوکاری حقوقی برای هماهنگ‌سازی مراحل مختلف حفاظت، از شناسایی خطر و پیشگیری تا مداخله، نظارت و پاسخ‌گویی است.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این مسئله، نحوه تنظیم رابطه میان مالکیت خصوصی و منفعت عمومی در حفاظت از میراث فرهنگی است. ماده ۳۰ قانون مدنی اصل اختیار مالک را به رسمیت می‌شناسد، درحالی‌که اصل ۴۰ قانون اساسی اعمال حقوق فردی را در صورت اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی محدود می‌کند. بااین‌وجود، پرسش حقوقی مهم آن است که محدودیت‌های ناشی از ثبت و حفاظت آثار تاریخی بر چه مبنایی باید متناسب‌سازی شوند، هزینه‌های حفاظت چگونه میان مالک و دولت توزیع شود و در چه شرایطی جبران محدودیت‌های تحمیل‌شده ضرورت پیدا می‌کند. فقدان پاسخ منسجم به این پرسش‌ها می‌تواند به تعارض میان حقوق مالکان و الزامات حفاظت عمومی و درنتیجه کاهش اثربخشی مقررات منجر شود.

مطالعات پیشین هر یک ابعاد مهمی از این موضوع را بررسی کرده‌اند. از جمله پژوهش‌های مرتبط با حقوق میراث فرهنگی ایران، ساختار قانونی حفاظت، نقش نهادهای دولتی و محدودیت مشارکت عمومی را مورد توجه قرار داده‌اند. در سطح سیاست‌گذاری نیز برخی مطالعات، پیامدهای غلبه رویکرد حفاظت فیزیکی و ضرورت توجه به ابعاد معنایی و اجتماعی میراث فرهنگی را بررسی کرده‌اند. با این حال، تمرکز این مطالعات عمدتاً بر

ابعاد مشخصی از حفاظت، از جمله مالکیت، ساختار قانونی یا سیاست‌گذاری فرهنگی بوده است و مسئله چگونگی پیوند حقوقی و نهادی این ابعاد در قالب یک نظام اجرایی یکپارچه همچنان نیازمند بررسی است.

خلأ پژوهشی مشخص در این زمینه، نبود تبیینی جامع از سازوکار حقوقی تبدیل تعهدات و استانداردهای بین‌المللی حفاظت میراث ملموس به مجموعه‌ای هماهنگ از تکالیف، اختیارات و ضمانت‌اجراهای قابل اعمال در نظام حقوقی ایران است. به بیان دقیق‌تر، هنوز این پرسش به‌صورت یکپارچه پاسخ داده نشده است که چگونه می‌توان میان الزامات پیشگیری از تخریب، حقوق مالکان، صلاحیت نهادهای اجرایی، نظارت قضایی و مقابله با جرائم سازمان‌یافته علیه میراث فرهنگی ارتباطی حقوقی و عملیاتی برقرار کرد. این خلأ اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اصلاح موردی قوانین، بدون تعیین نسبت میان اجزای مختلف نظام حفاظت، ممکن است به استمرار تعارض صلاحیت‌ها و ضعف اجرای مقررات بینجامد.

در سطح بین‌المللی، کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ بر حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰ بر جلوگیری از انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی و کنوانسیون ۱۹۷۲ بر شناسایی، حفاظت و مدیریت میراث دارای ارزش جهانی برجسته تأکید دارند. همچنین، کنوانسیون یونیدروا ۱۹۹۵ قواعدی برای استرداد اموال فرهنگی مسروقه یا صادرشده به‌طور غیرقانونی پیش‌بینی کرده و کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰، در صورت تحقق شرایط مقرر، زمینه همکاری بین‌المللی برای مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی را فراهم می‌سازد. این اسناد، با وجود تفاوت در موضوع و قلمرو تعهدات، ظرفیت‌هایی مکمل برای شکل‌دهی به نظام حفاظت چندلایه دارند. با این حال، بهره‌گیری از آن‌ها مستلزم توجه به وضعیت عضویت ایران، حدود تعهدات پذیرفته‌شده و امکان انطباق سازوکارهای هر سند با ساختار حقوق داخلی است (یونسکو، ۱۹۵۴؛ یونسکو، ۱۹۷۰؛ یونسکو، ۱۹۷۲؛ یونیدروا، ۱۹۹۵، سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰).

نوآوری پژوهش حاضر در عبور از بررسی جداگانه قوانین داخلی یا معرفی توصیفی کنوانسیون‌های بین‌المللی و ارائه الگویی تلفیقی با عنوان «حکمرانی پیش‌نگر میراث ملموس» است. در این الگو، حفاظت از میراث فرهنگی به‌عنوان فرایندی پیوسته و چندمرحله‌ای در نظر گرفته می‌شود که عناصر آن شامل شناسایی و ارزیابی خطر، پیشگیری از آسیب، تنظیم متناسب محدودیت‌های مالکانه، جبران منصفانه، هماهنگی نهادی، پایش داده‌محور، دادرسی تخصصی و همکاری کیفری فرامرزی است. وجه تمایز این الگو، صرف پیشنهاد اصلاح قوانین یا ایجاد نهادهای جدید نیست، بلکه تبیین ارتباط کارکردی میان ابزارهای حقوق عمومی، حقوق خصوصی و حقوق کیفری در قالب ساختاری واحد و پیشگیرانه است. بدین‌ترتیب، پژوهش می‌کوشد نشان دهد هر ابزار حقوقی در کدام مرحله از حفاظت کاربرد دارد، کدام نهاد مسئول اجرای آن است و چگونه می‌توان اثربخشی آن را ارزیابی کرد.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان با تلفیق ظرفیت‌های حقوق داخلی و استانداردهای بین‌المللی، الگویی منسجم و پیش‌نگر

برای حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی ملموس در ایران طراحی کرد؟

فرضیه پژوهش آن است که دستیابی به حفاظت مؤثر، بیش از افزایش تعداد مقررات، به انسجام هنجاری، تعیین دقیق مسئولیت‌ها، رعایت تناسب محدودیت‌های مالکانه، پیشگیری نظام‌مند، تخصص‌گرایی قضایی و پیوند ضمانت‌اجراهای داخلی با سازوکارهای همکاری بین‌المللی وابسته است. هدف نهایی، ارائه چارچوبی حقوقی است که بتواند فاصله میان شناسایی قانونی آثار تاریخی و حفاظت عملی، مستمر و پاسخ‌گو از آن‌ها را کاهش دهد.

## ۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که هر سند بخشی متفاوت از چرخه حفاظت را پوشش می‌دهد: کنوانسیون ۱۹۵۴ بر صیانت در مخاصمات مسلحانه و پیشگیری از آثار مخرب جنگ؛ کنوانسیون ۱۹۷۰ بر کنترل گردش غیرقانونی اموال فرهنگی و همکاری برای استرداد؛ کنوانسیون ۱۹۷۲ بر مدیریت مستمر، پایش و حفظ ارزش جهانی برجسته؛ کنوانسیون یونیدروا بر دعاوی استرداد و حمایت از دارنده با حسن‌نیت در چارچوب قواعد خاص خود؛ و کنوانسیون پالرمو بر تعقیب شبکه‌های مجرمانه و همکاری فرامرزی تمرکز دارد.

## ۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین مبانی نظری بحث پرداخته می‌شود.

### ۵-۱. مبانی نظری

چارچوب تحلیلی مقاله بر «زنجیره حفاظت» استوار است: شناسایی و ثبت، تعیین حریم، ارزیابی اثر، مدیریت و پایش، مداخله اداری، کشف و تعقیب جرم، رسیدگی قضایی و در نهایت بازگردانی و جبران. ضعف هر حلقه می‌تواند حلقه‌های دیگر را بی‌اثر کند. ثبت بدون حریم، حریم بدون پایش و مجازات بدون احتمال کشف، نمونه‌هایی از همین گسست هستند (ماسکل، ۲۰۱۳؛ یونسکو، ۲۰۱۱).

#### ۵-۱-۱- مفهوم و ماهیت حقوقی حکمرانی پیش‌نگر

حکمرانی پیش‌نگر در حوزه میراث فرهنگی ملموس را می‌توان رویکردی حقوقی، نهادی و مدیریتی دانست که هدف آن، شناسایی و ارزیابی به‌موقع تهدیدها، اتخاذ تدابیر متناسب پیش از تحقق خسارت و ایجاد سازوکارهای مستمر نظارت، پاسخ‌گویی و اصلاح تصمیمات در راستای حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آثار است. در این رویکرد، حفاظت از میراث فرهنگی صرفاً به ثبت آثار، جلوگیری از تخریب آشکار یا اعمال ضمانت‌اجرا پس از وقوع تخلف محدود نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از قواعد، تصمیمات اداری، ابزارهای نظارتی، سازوکارهای مشارکتی و

تضمینات قضایی را در برمی‌گیرد (توسلی نائینی و شادنوش، ۱۳۹۶). این رویه باید در تمام مراحل شناسایی، ثبت، بهره‌برداری، مرمت، مدیریت و انتقال میراث به نسل‌های آینده فعال باشند.

اهمیت این مفهوم از آنجا ناشی می‌شود که آسیب به میراث فرهنگی ملموس، برخلاف بسیاری از خسارت‌های وارد بر اموال متعارف، لزوماً با پرداخت خسارت یا بازسازی فیزیکی قابل جبران نیست. تخریب یک لایه باستان‌شناختی، تغییر غیرقابل بازگشت اجزای اصیل یک بنای تاریخی یا از بین رفتن اسناد و شواهد مرتبط با یک اثر، ممکن است به نابودی اطلاعات تاریخی و فرهنگی منجر شود که امکان بازیابی کامل آن وجود ندارد. بنابراین، ویژگی بنیادین حکمرانی پیش‌نگر، تقدم منطقی پیشگیری بر جبران و توجه به ماهیت گاه برگشت‌ناپذیر خسارت‌های میراثی است.

با این حال، حکمرانی پیش‌نگر را نباید با مفهوم محدود حفاظت پیشگیرانه یکسان دانست. حفاظت پیشگیرانه عمدتاً بر اقداماتی متمرکز است که احتمال وقوع آسیب یا شدت آن را کاهش می‌دهند؛ درحالی‌که حکمرانی پیش‌نگر، چارچوب حقوقی و نهادی لازم برای طراحی، هماهنگی، اجرا، ارزیابی و اصلاح این اقدامات را نیز در برمی‌گیرد. برای مثال، پایش وضعیت یک بنای تاریخی، اقدامی پیشگیرانه است؛ اما ایجاد نظامی که در آن پایش به‌صورت منظم انجام شود، مسئولیت دستگاه‌های مربوط مشخص باشد، نتایج آن در تصمیمات شهرسازی و صدور مجوزها اثر بگذارد و عدم اقدام مراجع مسئول قابل پیگیری باشد، بیانگر حرکت به‌سوی حکمرانی پیش‌نگر است.

از این منظر، حکمرانی پیش‌نگر نه یک اقدام منفرد و نه صرفاً یک سیاست مدیریتی، بلکه الگویی برای سازمان‌دهی رابطه میان قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری اداری، نظارت عمومی، مشارکت اجتماعی و تضمین اجرای حقوقی است (نوروزی و عبودی، ۱۳۹۵). وجه متمایز آن در این است که حفاظت از میراث فرهنگی را از واکنش به خسارت تحقق‌یافته به مدیریت مستمر خطر و مسئولیت‌پذیری پیشینی تبدیل می‌کند.

### ۵-۱-۲- مبانی حقوقی حکمرانی پیش‌نگر

نخستین مبنای این رویکرد، ماهیت عمومی و بین‌نسلی میراث فرهنگی است. ارزش آثار تاریخی صرفاً به مالکیت مادی یا منفعت اقتصادی دارنده آن‌ها محدود نمی‌شود؛ بلکه این آثار در حفظ حافظه تاریخی، هویت فرهنگی و امکان شناخت گذشته برای نسل‌های آینده نقش دارند. از این‌رو، حتی در مواردی که مالکیت یک اثر در اختیار شخص خصوصی است، تصمیمات مربوط به نگهداری، تغییر، مرمت یا تخریب آن می‌تواند واجد آثار عمومی باشد. این ویژگی، مداخله قانونی دولت را برای حفاظت از ارزش‌های فرهنگی توجیه می‌کند، مشروط بر آنکه مداخله بر مبنای قانون، با هدف مشروع و با رعایت تناسب صورت گیرد.

دومین مبنا، اصل پیشگیری از خسارت و ضرورت توجه به خطر پیش از تحقق آن است. در حوزه میراث فرهنگی، انتظار تا زمان وقوع تخریب یا آسیب جدی ممکن است به معنای از دست دادن امکان حفاظت مؤثر باشد. بر همین اساس، تصمیم‌گیری اداری باید علاوه بر وضعیت موجود اثر، احتمال وقوع آسیب، شدت پیامدهای آن و

امکان بازگشت به وضعیت پیشین را نیز مورد توجه قرار دهد. این مبنا می‌تواند در طراحی نظام‌های ارزیابی خطر، تعیین اولویت‌های حفاظتی، نظارت بر ساخت‌وسازهای پیرامونی و تدوین برنامه‌های مدیریت بحران انعکاس یابد. البته تبدیل این ضرورت به تکالیف حقوقی مشخص، از جمله الزام عام به ارزیابی اثر میراثی، حسب مورد نیازمند بررسی مقررات لازم‌الاجرا یا پیش‌بینی صریح در قانون داخلی است.

سومین مبنا، اصل حاکمیت قانون و ضرورت پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات اداری است. حفاظت مؤثر هنگامی تحقق می‌یابد که حدود اختیارات مراجع مسئول، معیارهای ثبت و تعیین حریم، شرایط صدور مجوز مداخله، شیوه اعتراض به تصمیمات و ضمانت‌اجراهای تخلف به‌صورت روشن و منسجم تعیین شده باشند. فقدان چنین چارچوبی می‌تواند به تصمیمات متعارض، افزایش اختلافات میان مالکان و مراجع عمومی و کاهش اعتماد به نظام حفاظت منجر شود. بنابراین، حکمرانی پیش‌نگر مستلزم آن است که پیشگیری از تخریب با قواعد روشن، رویه‌های اداری شفاف و امکان نظارت قضایی همراه باشد.

چهارمین مبنا، اصل تناسب و ضرورت برقراری تعادل میان حقوق مالکانه و منفعت عمومی است. ثبت یک اثر در فهرست آثار ملی و اعمال محدودیت بر نحوه بهره‌برداری از آن، هرچند ممکن است برای حفاظت ضروری باشد، نباید به معنای نادیده گرفتن حقوق قانونی مالک تلقی شود. حکمرانی پیش‌نگر اقتضا می‌کند که پیش از تحمیل محدودیت، هدف حفاظتی، ضرورت اقدام، شدت محدودیت و امکان استفاده از راهکارهای کم‌ضررتر بررسی شود. همچنین، در موارد مقتضی، تسهیلات مرمتی، مشوق‌های مالی، امکان بهره‌برداری سازگار و سازوکارهای جبران منصفانه باید مورد توجه قرار گیرند. چنین رویکردی می‌تواند از تبدیل حفاظت به منشأ تعارض دائمی میان دولت و مالک جلوگیری کند و زمینه همکاری مالک در نگهداری اثر را افزایش دهد.

پنجمین مبنا، مسئولیت‌پذیری نهادی و ضرورت هماهنگی میان مراجع عمومی است. حفاظت از میراث فرهنگی در عمل به تصمیمات یک دستگاه محدود نیست و با وظایف نهادهای میراث فرهنگی، مدیریت شهری، مراجع صدور مجوز، دستگاه‌های انتظامی و قضایی و نهادهای مرتبط با مدیریت بحران ارتباط دارد. اگر هر یک از این مراجع بدون توجه به آثار تصمیمات خود بر میراث فرهنگی عمل کنند، حتی وجود مقررات حمایتی متعدد نیز ممکن است به نتیجه مطلوب منجر نشود. در نتیجه، حکمرانی پیش‌نگر به تقسیم روشن صلاحیت‌ها، تبادل اطلاعات، هماهنگی در تصمیم‌گیری و تعیین مسئولیت در برابر ترک فعل یا اجرای نامناسب وظایف نیاز دارد.

### ۵-۱-۳- مؤلفه‌های ساختاری حکمرانی پیش‌نگر

با توجه به مبانی یادشده، حکمرانی پیش‌نگر در حفاظت از میراث فرهنگی ملموس را می‌توان بر پایه شش مؤلفه مرتبط با یکدیگر تبیین کرد:

**الف) شناسایی و ارزیابی پیشینی خطرها**: نخستین مؤلفه، عبور از شناسایی صرف آثار به شناسایی

هم‌زمان ارزش‌ها، وضعیت حفاظتی و تهدیدهای پیش روی آن‌هاست. ثبت یک اثر زمانی می‌تواند مبنای حفاظت مؤثر قرار گیرد که اطلاعات لازم درباره ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، وضعیت مالکیت، شرایط فیزیکی، محدوده و حریم، آسیب‌پذیری و تهدیدهای احتمالی آن نیز در دسترس باشد. ارزیابی خطر باید تهدیدهایی مانند فرسودگی، ساخت‌وساز ناسازگار، تغییر کاربری، حفاری غیرمجاز، سرقت، بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه را، متناسب با وضعیت هر اثر، مورد توجه قرار دهد.

این ارزیابی امکان می‌دهد منابع محدود حفاظتی بر اساس میزان خطر و اهمیت اثر تخصیص یابند و اقدامات فوری برای آثار آسیب‌پذیر در اولویت قرار گیرند. در نتیجه، سیاست حفاظت از حالت یکسان و غیرتمایزی خارج شده و به نظامی مبتنی بر اولویت‌بندی و شواهد تبدیل می‌شود.

**ب) پیشگیری از طریق تصمیم‌گیری اداری و تنظیم‌گری**: دومین مؤلفه، وارد کردن ملاحظات میراثی به فرایند تصمیم‌گیری پیش از صدور مجوز یا اجرای طرح‌هایی است که ممکن است بر اثر تاریخی تأثیر بگذارند. ارزیابی اثر میراثی می‌تواند در این زمینه ابزار مهمی باشد؛ زیرا آثار مستقیم و غیرمستقیم یک پروژه را بر اصالت، تمامیت، منظر، حریم و ارزش‌های فرهنگی اثر بررسی می‌کند و امکان اصلاح طرح یا انتخاب گزینه کم‌ضررتر را فراهم می‌سازد.

با این حال، لازم است میان اصل ضرورت توجه پیشینی به آثار پروژه‌ها و وجود یک الزام قانونی عام و صریح به ارزیابی اثر میراثی تفکیک شود. پیشنهاد ایجاد چنین الزام عامی در نظام حقوقی ایران، درصورتی‌که مستند قانونی مشخصی برای مورد مربوط وجود نداشته باشد، باید به‌عنوان پیشنهاد اصلاح تقنینی مطرح شود، نه تعهدی که به‌طور یکسان از همه اسناد بین‌المللی استنباط شده باشد.

**ج) مدیریت یکپارچه و هماهنگی نهادی**: سومین مؤلفه، پیوند دادن سیاست حفاظت با نظام برنامه‌ریزی شهری، مدیریت اراضی، صدور مجوزها، تخصیص بودجه و سیاست‌های توسعه است. حکمرانی پیش‌نگر مستلزم آن است که تصمیمات مؤثر بر میراث فرهنگی پیش از اجرا از حیث آثار حفاظتی بررسی شوند و مراجع ذی‌صلاح در چارچوبی هماهنگ عمل کنند. در این ساختار، تعیین مسئول مشخص برای هر اثر یا مجموعه تاریخی، تدوین برنامه مدیریت، تعیین منابع مالی، پیش‌بینی جدول زمانی اقدامات و ایجاد سازوکار حل اختلاف میان دستگاه‌ها اهمیت دارد. مدیریت یکپارچه به معنای حذف صلاحیت قانونی نهادها نیست، بلکه هدف آن جلوگیری از تعارض تصمیمات و ایجاد هماهنگی در اعمال صلاحیت‌های موجود است.

**د) مشارکت ذی‌نفعان و حمایت متوازن از حقوق مالکانه**: چهارمین مؤلفه، به رسمیت شناختن نقش مالکان، جوامع محلی، متخصصان و سایر ذی‌نفعان در فرایند حفاظت است. هرچند مسئولیت قانونی حفاظت ممکن است بر عهده نهادهای عمومی قرار داشته باشد، اجرای پایدار آن بدون همکاری کسانی که به‌طور مستقیم با اثر یا محیط پیرامونی آن ارتباط دارند، دشوار خواهد بود.

مشارکت مؤثر مستلزم دسترسی به اطلاعات مرتبط، امکان ارائه نظر پیش از اتخاذ تصمیمات مهم، توجه مستدل به ملاحظات مطرح‌شده و فراهم کردن راه‌های قانونی اعتراض است. در مورد مالکان خصوصی نیز، شفافیت محدودیت‌ها و دسترسی به حمایت‌های مالی و فنی می‌تواند انگیزه نگهداری و مرمت را افزایش دهد. از این منظر، مالک نباید صرفاً مخاطب محدودیت‌های حفاظتی تلقی شود، بلکه می‌تواند یکی از کنشگران اصلی حفاظت باشد.

**هـ) پایش مستمر، پاسخ‌گویی و اصلاح تصمیمات**: پنجمین مؤلفه، ایجاد سازوکارهای مستمر برای ارزیابی وضعیت آثار و سنجش عملکرد نهادهای مسئول است. حفاظت پیش‌نگر با ثبت اولیه اثر پایان نمی‌یابد، بلکه به پایش تغییرات، شناسایی آسیب‌های جدید، ارزیابی اجرای برنامه‌های مدیریتی و اصلاح اقدامات ناکارآمد نیاز دارد. برای تحقق این هدف، می‌توان شاخص‌هایی مانند وضعیت فیزیکی اثر، میزان تحقق برنامه مرمت، پوشش حریم حفاظتی، تعداد و کیفیت بازرسی‌ها، زمان رسیدگی به گزارش‌های تخلف و میزان اجرای دستورات حفاظتی را تعریف کرد. انتشار گزارش‌های دوره‌ای و تعیین مسئولیت مشخص برای عدم اجرای تکالیف نیز می‌تواند پاسخ‌گویی را تقویت کند. بدین‌ترتیب، ارزیابی موفقیت نظام حفاظت از شمار آثار ثبت‌شده فراتر می‌رود و بر وضعیت واقعی حفاظت و عملکرد نهادهای مسئول متمرکز می‌شود.

**و) آمادگی برای بحران و واکنش هماهنگ به تخلف**: ششمین مؤلفه، پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای مواجهه با بحران‌ها و تخلفات است. حکمرانی پیش‌نگر به معنای حذف کامل واکنش پس از وقوع آسیب نیست؛ بلکه می‌کوشد واکنش ضروری را در چارچوب نظامی آماده، هماهنگ و مبتنی بر اطلاعات قرار دهد. تدوین برنامه‌های اضطراری، شناسایی آثار در معرض خطر، مستندسازی پیشینی، تعیین مسئولیت نهادهای امدادی و حفاظتی و پیش‌بینی رویه‌های سریع برای توقف مداخلات غیرقانونی، از جمله اقدامات قابل طرح در این حوزه‌اند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۵). در برخورد با جرائم علیه میراث فرهنگی نیز، پیشگیری باید با احتمال کشف مؤثر، رسیدگی تخصصی، اجرای به‌موقع تصمیمات و جبران خسارت همراه باشد. در موارد قاچاق فرامرزی، تبادل اطلاعات و همکاری قضایی و انتظامی می‌تواند امکان مقابله با شبکه‌های مجرمانه را تقویت کند. بنابراین، سیاست پیش‌نگر نه جایگزین ضمانت‌اجراهای کیفری، بلکه مکمل آن‌ها و زمینه‌ساز اثربخشی بیشترشان است.

### ۵-۱-۴- تمایز حکمرانی پیش‌نگر از حفاظت واکنشی

تفاوت میان دو رویکرد را می‌توان در زمان مداخله، مبنای تصمیم‌گیری، ساختار نهادی و معیار ارزیابی موفقیت مشاهده کرد. در الگوی واکنشی، اقدام دولت غالباً پس از وقوع تخریب، کشف تخلف یا طرح دعوا آغاز می‌شود و عملکرد نظام حمایت تا حد زیادی با تعداد پرونده‌ها، اقدامات مرمتی یا مجازات‌های اعمال‌شده سنجیده می‌شود. در مقابل، حکمرانی پیش‌نگر بر شناسایی تهدیدها پیش از تحقق خسارت، پیوند دادن اطلاعات به تصمیمات

اداری، هماهنگی نهادی و ارزیابی مستمر نتایج تمرکز دارد.

برای مثال، اگر بنایی تاریخی در معرض ساخت‌وساز ناسازگار قرار گیرد، رویکرد واکنشی ممکن است پس از آغاز عملیات و بروز آسیب، به توقف پروژه و تعقیب مسئولان متوسل شود. در مقابل، رویکرد پیش‌نگر اقتضا می‌کند که پیش از صدور مجوز، وضعیت اثر و حریم آن بررسی شود، خطرهای پروژه مورد ارزیابی قرار گیرد، مرجع مسئول تصمیمی مستدل اتخاذ کند و سازوکار نظارت بر اجرای تصمیم نیز مشخص باشد. اگر با وجود این تدابیر تخلفی رخ دهد، اقدامات فوری و ضمانت‌اجراهای قانونی همچنان ضرورت خواهند داشت. از این‌رو، تمایز اصلی این دو الگو در نفی ضمانت‌اجراهای پسینی نیست؛ بلکه در جایگاه آن‌ها در نظام حفاظت است. در حکمرانی پیش‌نگر، مجازات، جبران خسارت و رسیدگی قضایی اجزای ضروری زنجیره حفاظت‌اند، اما به‌تنهایی جایگزین پیشگیری، مدیریت خطر و مسئولیت‌پذیری پیشینی نمی‌شوند.

### ۵-۱-۵- حکمرانی پیش‌نگر در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، تحقق این الگو بیش از هر چیز به انسجام قواعد موجود و تبدیل اصول کلی حفاظت به تکالیف روشن و قابل ارزیابی نیاز دارد. پراکندگی مقررات مربوط به ثبت، تعیین حریم، مالکیت، صدور مجوز، نظارت و ضمانت‌اجرا می‌تواند مانع از شکل‌گیری یک فرایند منسجم حفاظت شود. از این‌رو، تدوین قانون جامع میراث فرهنگی ملموس باید به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی اصلاح نظام حقوقی مورد توجه قرار گیرد.

چنین قانونی می‌تواند ضمن تعیین تعاریف و اصول بنیادین، مراحل شناسایی و ثبت، تعیین عرصه و حریم، ارزیابی خطر و اثر، مدیریت و پایش، حقوق و تکالیف مالکان، مشوق‌ها و جبران‌های مقتضی، مسئولیت دستگاه‌های عمومی و ضمانت‌اجراهای تخلف را در چارچوبی هماهنگ تنظیم کند. پیش‌بینی قواعد روشن برای ارزیابی اثر میراثی، تعیین مرجع هماهنگ‌کننده، ایجاد نظام یکپارچه اطلاعات و تعریف شاخص‌های ارزیابی عملکرد نیز می‌تواند بخشی از اصلاحات تقنینی مورد پیشنهاد باشد.

با این حال، اصلاح قانون به‌تنهایی برای تحقق حکمرانی پیش‌نگر کافی نیست. اجرای مؤثر این الگو به تأمین منابع مالی و انسانی، آموزش تخصصی، هماهنگی میان مراجع اداری و قضایی، دسترسی به اطلاعات معتبر و ایجاد امکان مشارکت مالکان و جوامع محلی وابسته است. به همین دلیل، اصلاحات حقوقی باید با برنامه اجرایی مشخص، تقسیم مسئولیت روشن و سازوکار نظارت بر نتایج همراه شوند.

در سطح بین‌المللی نیز، استانداردهای مرتبط با حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، پیشگیری از تجارت غیرقانونی اموال فرهنگی و مدیریت مستمر میراث جهانی، هر یک بخشی از این چارچوب را پشتیبانی می‌کنند. با وجود این، حدود تعهدات الزام‌آور باید با توجه به عضویت ایران، قلمرو موضوعی هر سند و شرایط مقرر در آن تعیین شود. از این‌رو، حکمرانی پیش‌نگر را باید

چارچوبی برای سامان‌دهی و اجرای مؤثر تعهدات قابل اعمال و نیز طراحی اصلاحات داخلی دانست، نه عنوانی که به‌خودی‌خود همه پیشنهادهای سیاستی را به تعهدات معاهده‌ای تبدیل کند.

در مجموع، حکمرانی پیش‌نگر زمانی در حفاظت از میراث فرهنگی ملموس تحقق می‌یابد که شناسایی و ارزیابی خطر، تنظیم‌گری پیشینی، مدیریت یکپارچه، حمایت متوازن از حقوق مالکانه، پایش مستمر و پاسخ‌گویی نهادی در قالب یک زنجیره حقوقی هماهنگ به یکدیگر متصل شوند. اهمیت این الگو در آن است که حفاظت را از مجموعه‌ای از واکنش‌های پراکنده به تخریب، به نظامی مستمر، قابل ارزیابی و مبتنی بر مسئولیت حقوقی تبدیل می‌کند؛ نظامی که هدف نهایی آن کاهش احتمال خسارت، حفظ ارزش‌های اصیل آثار و تضمین انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده است.

## ۵-۲- ساختار حقوقی حمایت از میراث ملموس در ایران

در این قسمت به تبیین ساختار حقوقی حمایت از میراث ملموس در ایران پرداخته می‌شود.

### ۵-۲-۱- میراث فرهنگی به‌عنوان منفعت عمومی

در حقوق ایران، حفاظت از میراث فرهنگی ماهیتی حاکمیتی دارد و از نخستین قوانین مربوط به آثار ملی تا قانون مدیریت خدمات کشوری، حفظ میراث در شمار امور عمومی قرار گرفته است. قانون مدنی نیز برخی اموال تاریخی و موزه‌ای را در قلمرو مصالح عمومی و منافع ملی قرار می‌دهد. بنابراین، حتی در صورت مالکیت خصوصی، ارزش عمومی اثر از بین نمی‌رود (عباسی، ۱۳۹۸). اصل ۸۳ قانون اساسی حساسیت قانون‌گذار اساسی را نسبت به نفایس ملی نشان می‌دهد، اما دامنه آن محدود است؛ زیرا به بناها و اموال دولتی و نفایس ملی توجه دارد. در نتیجه، بخش مهمی از حمایت از آثار خصوصی باید از طریق قانون عادی و تصمیمات اداری تأمین شود. این وضعیت نیاز به یک قانون جامع را برجسته می‌کند.

### ۵-۲-۲- ثبت ملی و تعیین حریم

ثبت ملی مهم‌ترین ابزار شناسایی و آغاز حمایت حقوقی از آثار غیرمنقول است، اما ثبت به‌خودی‌خود معادل حفاظت مؤثر نیست. نسبت جرائم مصوب به آثار ثبت‌شده پایین بوده و این امر در برابر توسعه شهری و روستایی تهدیدی جدی ایجاد می‌کند (نوروزی و عبودی، ۱۳۹۵). تهدید میراث تنها تخریب مستقیم نیست؛ ساخت‌وساز پیرامونی، تغییر منظر، کاربری ناسازگار و مداخلات بصری نیز می‌تواند تمامیت اثر را مخدوش کند. بنابراین، ثبت باید از یک رویداد اداری به فرایند مدیریت حقوقی تبدیل شود. هر ثبت مهم باید با سطح اهمیت، صفات حامل ارزش، وضعیت مالکیت، حریم اولویت‌دار و برنامه پایش همراه باشد. این رویکرد با مدیریت مبتنی بر ارزش جهانی برجسته در نظام یونسکو سازگار است که نیازمند توافقات دو یا چندجانبه برای حفاظت بیشتر از میراث فرهنگی و تاریخی است (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۵).

### ۵-۲-۳- شهرسازی و مدیریت شهری

قوانین شهرداری و مقررات شورای عالی شهرسازی و معماری ظرفیت مهمی برای حفاظت ایجاد

کرده‌اند، اما چندمرجعی بودن تصمیم‌گیری می‌تواند موجب تعارض توسعه و حفاظت شود. رساله مبنا نیز بر لزوم هماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار شهری و متولی میراث تأکید می‌کند. راه‌حل، حذف یکی از دو حوزه نیست؛ بلکه ایجاد مدیریت یکپارچه میراث و توسعه است. پروژه‌های مؤثر بر عرصه، حریم یا منظر تاریخی باید از مسیر ارزیابی واحد عبور کنند و نظر میراث، شهرسازی و مدیریت شهری در تصمیمی مشترک و مستدل جمع شود.

### ۵-۳- چالش‌های اصلی نظام حمایت

در این قسمت به تبیین چالش‌های اصلی نظام حمایت پرداخته می‌شود.

#### ۵-۳-۱- پراکندگی تقنینی

نخستین چالش، پراکندگی قواعد در قانون حفظ آثار ملی، قوانین برنامه، قانون شهرداری، مقررات شهرسازی، قانون مجازات و قوانین مربوط به بافت‌های تاریخی است. مشکل در ضعف هر قاعده به‌صورت منفرد نیست؛ بلکه در نبود زبان مشترک و سلسله‌مراتب روشن میان آن‌هاست. این وضعیت می‌تواند مرجع صلاحیت‌دار، حدود اختیار مالک و ضمانت اجرای نقض مقررات را مبهم کند (بلیک، ۲۰۱۵). قانون جامع پیشنهادی باید چرخه کامل حفاظت را پوشش دهد: تعریف و طبقه‌بندی، ثبت، عرصه و حریم، حقوق مالک، مشوق و جبران، مجوز مداخله، ارزیابی اثر، پایش، مشارکت عمومی، مدیریت بحران، تخلفات و جرائم، مسئولیت دستگاه‌های عمومی و استرداد اموال. هدف باید انسجام باشد، نه صرفاً افزودن مواد قانونی.

#### ۵-۳-۲- تعارض مالکیت خصوصی و منفعت عمومی

ثبت ملک خصوصی در فهرست آثار ملی می‌تواند محدودیت‌هایی بر تصرف و بهره‌برداری مالک ایجاد کند. رساله مبنا این مسئله را در قالب نسبت قاعده تسلیط و لاضرر تحلیل کرده و نشان می‌دهد که در بخشی از رویه اداری، تعارض مزبور به دعاوی ابطال ثبت منجر می‌شود. پیشنهاد مقاله، جایگزین کردن منطق «ثبت = محدودیت» با «ثبت = رابطه حقوقی متوازن» است. دولت باید ضمن حفظ اختیار تنظیم‌گری، مشوق‌های مالی، تسهیلات مرمت، بهره‌برداری سازگار، معافیت‌های هدفمند و در موارد لازم حقوق مالکانه معوض را پیش‌بینی کند. آزمون تناسب باید بررسی کند که محدودیت ضروری و متناسب است و آیا راهکار کم‌ضررتری وجود دارد.

#### ۵-۳-۳- ضعف ضمانت‌اجراهای کیفری و اداری

وجود جرم‌انگاری به تنهایی بازدارندگی ایجاد نمی‌کند. احتمال کشف، سرعت رسیدگی، کیفیت کارشناسی، قطع منافع اقتصادی و اجرای حکم اجزای بازدارندگی‌اند. رساله مبنا بر ضرورت گذار از تمرکز صرف بر شدت مجازات تأکید دارد. کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو نشان می‌دهد مبارزه با قاچاق باید با ثبت، کنترل صادرات و واردات، همکاری میان دولت‌ها و استرداد همراه باشد (یونسکو، ۱۹۷۰). بنابراین، بسته کیفری ایران باید علاوه بر مجازات، ضبط عواید، مصادره ابزار جرم، اعاده وضع، جبران خسارت و کنترل بازار غیررسمی را نیز در برگیرد.

### ۵-۳-۴- ظرفیت اجرایی و یگان حفاظت

یگان حفاظت حلقه اتصال قانون با واقعیت میدانی است. بر اساس یافته‌های رساله و گزارش‌های کارشناسی، مسائل منابع انسانی، آموزش، ساختار سازمانی، هماهنگی قضایی و ارتباط با جوامع محلی بر کارآمدی این یگان اثرگذار است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱). افزایش احتمال کشف از افزایش مجازات مهم‌تر است. استانداردسازی عملیات، آموزش حقوق میراث، مستندسازی صحنه، پایش جغرافیایی نقاط پرخطر، بانک اطلاعاتی آثار و ارتباط مستقیم با دادستانی و ضابطان باید در اولویت باشد.

### ۵-۳-۵- قاچاق به‌مثابه جرم سازمان‌یافته فراملی

قاچاق اموال فرهنگی در بسیاری از موارد زنجیره‌ای از حفاری، انتقال داخلی، خروج، جعل منشأ، واسطه‌گری و فروش بین‌المللی است. بنابراین، نگاه کردن به آن به‌عنوان جرم فردی، بخشی از واقعیت را نادیده می‌گیرد (وردولجاک، ۲۰۱۵). کنوانسیون پالرمو ابزارهایی مانند همکاری قضایی متقابل، استرداد، پیگیری عواید و مصادره را فراهم می‌کند. اتصال این ظرفیت‌ها با کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو می‌تواند پاسخ ایران را از تعقیب مباشر به تعقیب شبکه و جریان مالی تبدیل کند (یونسکو، ۲۰۰۰ و یونسکو، ۱۹۷۰).

## ۵-۴- ارزیابی تطبیقی در پرتو استانداردهای یونسکو

در این قسمت به تبیین و ارزیابی تطبیقی در پرتو استانداردهای یونسکو پرداخته می‌شود.

### ۵-۴-۱- کنوانسیون ۱۹۵۴

کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و مقررات اجرایی آن، حمایت از اموال فرهنگی را در بستر مخاصمات مسلحانه صورت‌بندی می‌کند و دولت‌ها را به احترام به اموال فرهنگی و اتخاذ تدابیر حفاظتی متناسب فرامی‌خواند. اهمیت این سند صرفاً در منع هدف‌گیری یا آسیب‌رسانی عمدی خلاصه نمی‌شود؛ حفاظت مؤثر مستلزم شناسایی قبلی اموال، علامت‌گذاری و مستندسازی، برنامه‌ریزی اضطراری، آموزش نیروهای مرتبط و پیش‌بینی تدابیر انتقال یا حفاظت امن در شرایط خطر است. بنابراین، تعهدات زمان صلح و آمادگی نهادی، پیش‌شرط اجرای تعهدات هنگام جنگ‌اند. پروتکل دوم ۱۹۹۹ نیز نظام حمایت تقویت‌شده و قواعد دقیق‌تری درباره مسئولیت‌ها و ضمانت‌اجراهای مرتبط با نقض‌های جدی ایجاد کرده است. از منظر ایران، نتیجه عملی آن است که سیاست حفاظت نباید به مرمت پس از خسارت محدود بماند؛ لازم است فهرست آثار در معرض خطر، نقشه‌های مکانی، طرح‌های مدیریت بحران و پروتکل همکاری میان نهادهای میراث، مدیریت بحران و نیروهای دفاعی از پیش تدوین شود. این کنوانسیون البته جایگزین قواعد عمومی حفاظت در زمان صلح یا سازوکارهای مقابله با قاچاق نیست، بلکه ناظر به وضعیت خاص مخاصمه است (بلیک، ۲۰۱۱؛ یونسکو، ۱۹۵۴؛ یونسکو، ۱۹۹۹).

### ۵-۴-۲- کنوانسیون ۱۹۷۰

کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰، چرخه تجارت غیرقانونی اموال فرهنگی را موضوع حمایت قرار می‌دهد و از دولت‌ها می‌خواهد تدابیر پیشگیرانه و اداری، از جمله فهرست‌برداری، کنترل صادرات، صدور گواهی

های مربوط و همکاری میان نهادهای ذی‌ربط را تقویت کنند. ارزش این رویکرد در آن است که قاچاق را صرفاً لحظه خروج از مرز نمی‌بینند؛ حفاری غیرمجاز، فقدان سابقه مالکیت، جعل منشأ، انتقال میان واسطه‌ها و عرضه در بازار مقصد نیز بخشی از مسئله‌اند. از این‌رو، اجرای مؤثر کنوانسیون نیازمند اتصال بانک اطلاعاتی آثار، سوابق کاوش و مجموعه‌داری، داده‌های گمرکی، گزارش‌های پلیس و اطلاعات موزه‌هاست. برای ایران، ثبت دقیق منشأ و سابقه مالکیت آثار و تدوین رویه واحد برای اعلام سرقت و درخواست استرداد، هم احتمال کشف را بالا می‌برد و هم اثبات ادعا در مراجع خارجی را تسهیل می‌کند. با این حال، کنوانسیون ۱۹۷۰ به‌تنهایی همه مسائل مالکیت و استرداد را حل نمی کند؛ نتیجه عملی آن در کنار حقوق داخلی، همکاری دوجانبه و سازوکارهای حقوق خصوصی تقویت می‌شود (یونسکو، ۱۹۷۰).

### ۵-۴-۳- کنوانسیون ۱۹۷۲ و مدیریت مبتنی بر OUV

کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی، حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی دارای ارزش جهانی برجسته را بر همکاری بین‌المللی و مسئولیت مستمر دولت‌ها استوار می‌کند. درج یک اثر در فهرست میراث جهانی صرفاً اعطای عنوان یا ایجاد فرصت گردشگری نیست؛ این امر به حفظ ارزش جهانی برجسته و صفات حامل آن، وجود سازوکار مدیریتی مناسب، پایش وضعیت حفاظتی و گزارش‌دهی درباره تهدیدها وابسته است. از این منظر، معیار موفقیت را نباید صرفاً تعداد آثار ثبت‌شده دانست، بلکه باید وضعیت حفاظت، کیفیت مدیریت و روند تغییرات اثر را نیز سنجید. در حقوق داخلی، این منطق اقتضا می‌کند که برنامه مدیریت هر اثر، مسئول مشخص، بودجه، شاخص‌های قابل اندازه‌گیری، جدول زمانی و شیوه مشارکت جامعه محلی داشته باشد. همچنین، قرار گرفتن اثر در فهرست میراث جهانی به معنای انتقال مالکیت آن به جامعه بین‌المللی یا سلب صلاحیت سرزمینی دولت نیست؛ مسئولیت اصلی حفاظت همچنان بر عهده دولت عضو است و همکاری بین‌المللی نقش پشتیبان دارد (یونسکو، ۱۹۷۲؛ یونسکو، ۲۰۱۱).

### ۵-۴-۴- کنوانسیون یونیدروا ۱۹۹۵: استرداد و دعاوی حقوق خصوصی

کنوانسیون یونیدروا ۱۹۹۵ مکمل مهم کنوانسیون ۱۹۷۰ است؛ زیرا به‌جای تمرکز عمده بر تدابیر عمومی دولت‌ها، قواعدی درباره استرداد اشیای فرهنگی مسروقه و بازگرداندن اشیای فرهنگی صادرشده برخلاف محدودیت‌های قانونی مقرر می کند. این سند در دعاوی استرداد، موضوعاتی چون تکلیف بازگرداندن مال، مهلت طرح دعوا و وضعیت دارنده با حسن‌نیت و امکان مطالبه غرامت را در چارچوب شرایط مقرر تنظیم می‌کند. از این‌رو، تحلیل آن باید میان دو موضوع تمایز بگذارد: بازگرداندن مال مسروقه و بازگرداندن مال صادرشده به‌طور غیرقانونی؛ این دو از حیث مبنای دعوا و شرایط اثبات یکسان نیستند. اهمیت عملی کنوانسیون برای ایران، تقویت نگاه پرونده‌محور به استرداد است: مستندسازی منشأ، اثبات سرقت یا خروج غیرقانونی، شناسایی دارنده فعلی و رعایت مواعد و قواعد صلاحیت، در کنار همکاری دیپلماتیک، ضرورت دارد. ایران به این کنوانسیون

ملحق شده است؛ بنابراین، ظرفیت آن باید در آموزش قضات و وکلا، تنظیم دعاوی برون‌مرزی و هماهنگی نهاد ملی بازگردانی به‌طور مشخص وارد شود (یونیدروا، ۱۹۹۵).

### ۵-۴-۵- کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰: مقابله با شبکه‌های مجرمانه فراملی

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان یافته فراملی (پالرمو) هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که قاچاق اموال فرهنگی در قالب گروه سازمان‌یافته و با عناصر فرامرزی انجام شود و سایر شرایط کنوانسیون نیز تحقق یابد. این سند به‌خودی‌خود هر مورد قاچاق اثر تاریخی را جرم سازمان‌یافته تلقی نمی‌کند؛ بلکه ابزارهایی مانند همکاری قضایی متقابل، استرداد، تحقیق مشترک و پیگیری عواید جرم را در چارچوب تعریف‌ها و شرایط مقرر فراهم می‌سازد. تحلیل آن برای میراث فرهنگی باید بر ردیابی شبکه و جریان مالی متمرکز باشد: حفار، واسطه، جعل‌کننده اسناد، صادرکننده، فروشنده و دریافت‌کننده عواید ممکن است در حوزه‌های قضایی متفاوت قرار گیرند. از این‌رو، تبادل اطلاعات، حفظ ادله دیجیتال و مالی، شناسایی ذی‌نفعان واقعی و هماهنگی درخواست‌های قضایی می‌تواند از تمرکز صرف بر مباشر محلی مؤثرتر باشد. ایران در سال ۲۰۲۵ به کنوانسیون پالرمو ملحق شده است؛ با توجه به اعلامیه‌ها و حق‌شرط‌های ثبت‌شده و اعتراض برخی دولت‌ها، تحلیل تعهدات مشخص باید با مراجعه به وضعیت رسمی معاهده و متن حق‌شرط‌ها انجام شود. در سطح سیاست‌گذاری داخلی، این امر ضرورت ایجاد پروتکل تخصصی برای پرونده‌های قاچاق میراث و پیوند دادن پلیس، گمرک، دادستانی، واحدهای اطلاعات مالی و نهاد میراث را تقویت می‌کند (سازمان ملل، ۲۰۰۰). یکی از مهم‌ترین ابزارهای این رویکرد، ارزیابی اثر میراثی است. پروژه‌های عمرانی مؤثر بر اصالت، تمامیت، منظر یا صفات حامل ارزش باید پیش از صدور مجوز ارزیابی شوند. این ابزار با منطق پیشگیری و مدیریت ریسک سازگار است و از خسارت‌هایی جلوگیری می‌کند که بعداً جبران آن‌ها دشوار یا ناممکن است (ایکوموس، ۲۰۱۱، ایکروم، ۲۰۱۰).

### ۵-۵- ضمانت اجرای بین‌المللی؛ ظرفیت و محدودیت

برای پرهیز از خلط میان «تعهد حقوقی» و «سیاست مطلوب»، تفکیک سه سطح ضرورت دارد: نخست، تعهدات معاهده‌ای الزام‌آور؛ دوم، راهنماها و توصیه‌های فنی نهادهای بین‌المللی که مبنای تفسیری دارند؛ و سوم، پیشنهادهای تقنینی مقاله که تا پیش از تصویب داخلی، نباید تعهد قانونی موجود تلقی شوند. مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی، معاهدات مصوب در حکم قانون‌اند؛ بنابراین، بررسی هم‌زمان عضویت، حدود تعهد، حق‌شرط‌ها و اجرای داخلی الزامی است.

**الف) کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و پروتکل دوم ۱۹۹۹:** ایران از ۲۲ ژوئن ۱۹۵۹ عضو کنوانسیون ۱۹۵۴ و از ۲۴ مه ۲۰۰۵ عضو پروتکل دوم ۱۹۹۹ است. تعهدات این اسناد به حمایت از اموال در مخاصمات مسلحانه مربوط است و نمی‌توان همه‌شان را بی‌قیدوشرط به وضعیت عادی تسری داد. قانون حفظ آثار ملی (۱۳۰۹) و قوانین کیفری، زیرساخت حمایت‌اند اما آمادگی در زمان صلح و مدیریت

بحران را به‌تنهایی تضمین نمی‌کنند. پیشنهاد تدوین برنامه ملی حفاظت در بحران و پروتکل میان میراث فرهنگی، مدیریت بحران و نهادهای دفاعی، گامی اجرایی است که نباید به‌اشتباه عین تعهد صریح معاهده‌ای معرفی شود.

**ب) کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰:** ایران در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۵ به این کنوانسیون پیوسته است. تعهدات آن شامل پیشگیری، ایجاد خدمات ملی، کنترل صادرات و همکاری در استرداد است. با این حال، کنوانسیون به‌خودی‌خود موجب استرداد خودکار هر شیء خارج‌شده نمی‌شود. قوانین داخلی نظیر قانون حفظ آثار ملی، لایحه جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز (۱۳۵۹) و مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) از مبانی‌اند؛ اما اجرای منسجم نیازمند اتصال اداری تبادل داده و پیگیری استرداد در قالب پروتکلی روشن است.

**ج) کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲:** ایران در ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ به این سند ملحق شده است. مواد ۴ و ۵ بر شناسایی، حفاظت و انتقال میراث به نسل‌های آینده تأکید دارند. با این وصف، رژیم ارزش جهانی برجسته بر همه آثار ملی قابل انطباق نیست. رهنمودهای اجرایی و راهنماهای ارزیابی اثر میراثی، ابزارهای مهم تفسیری‌اند اما معاهده مستقل محسوب نمی‌شوند. لذا الزام عام ارزیابی اثر برای هر پروژه، در صورت فقدان نص داخلی، «پیشنهاد تقنینی» مقاله است؛ درحالی‌که ارزیابی آثار ثبت‌شده جهانی از الزامات مدیریتی همان معاهده پشتیبانی می‌گیرد.

**د) کنوانسیون یونیدروا ۱۹۹۵:** قانون الحاق ایران در ۳۰ مرداد ۱۳۷۹ به تصویب رسید. این سند ناظر بر دعاوی بین‌المللی استرداد اشیای مسروقه یا صادرشده غیرقانونی، مواعد طرح دعوا و جبران منصفانه است؛ لذا شامل تمام اموال خارج‌شده پیش از لازم‌الاجرا شدن نمی‌شود. در حقوق داخلی، قواعد مالکیت، صلاحیت قضایی و سازوکارهای دیپلماتیک باید امکان ارائه مدارک را فراهم کنند. ایجاد مرجع هماهنگ‌کننده استرداد و آموزش قضات، پیشنهاد اجرایی مقاله است و خودبه‌خود از عضویت ناشی نشده است.

**هـ) کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰:** ایران سند تصویب کنوانسیون پالرمو را در سال ۲۰۲۵ تودیع کرده است. بنابراین، دیگر نمی‌توان آن را سندی غیرالزام‌آور دانست؛ البته حدود تعهدات تابع متن، حق‌شرط‌ها و تاریخ لازم‌الاجرا شدن است. پالرمو تنها هنگامی اعمال می‌شود که وصف فراملی و دخالت گروه مجرمانه سازمان‌یافته احراز شود. قوانین داخلی کیفری و مبارزه با پول‌شویی مکمل‌اند؛ اما ایجاد پروتکل اختصاصی برای رهگیری عواید و هماهنگی پلیس، گمرک و دادستانی، پیشنهاد سیاستی و سازمانی مقاله است.

**و) جمع‌بندی تطبیقی:** پیشنهادهای مقاله در سه دسته عرضه می‌شوند: (۱) اجرای دقیق تعهدات معاهده‌ای موجود در حوزه مخاصمات، پیشگیری، میراث جهانی و همکاری کیفری فراملی؛ (۲) بهره‌گیری از توصیه‌ها و راهنماهای فنی به‌عنوان معیارهای تفسیری و حرفه‌ای؛ و (۳) اصلاحات تقنینی پیشنهادی نظیر قانون جامع میراث ملموس، الزام ارزیابی اثر، تعیین قواعد جبران محدودیت‌های مالکانه، نظام یکپارچه داده و نهاد هماهنگ‌کننده استرداد. تفکیک این موارد مانع از

آن می‌شود که توصیه‌های سیاستی به‌اشتباه تعهد معاهده‌ای موجود معرفی گردند.

## ۶-۵- مدل پیشنهادی: حکمرانی پیش‌نگر میراث ملموس

**الف) قانون جامع و زبان مشترک**

قانون جامع باید تعاریف عملیاتی اثر ملی، حریم، صفات حامل ارزش، مداخله، تخریب و بهره‌برداری سازگار را روشن کند و مسئولیت نهادها را مشخص سازد. هر ثبت مهم نیز باید با سطح حفاظت و برنامه حریم همراه باشد.

**ب) آزمون تناسب و جبران منصفانه**

مرجع اداری و قضایی باید بررسی کند هدف حفاظتی چیست، محدودیت مالکیت چه اندازه ضروری است، آیا راهکار کم‌ضررتری وجود دارد و آیا برای محدودیت شدید، جبران یا حمایت متناسب پیش‌بینی شده است. این سازوکار می‌تواند تعارض تسلیط و لاضرر را به توازن حقوقی تبدیل کند.

**ج) ارزیابی اثر و مدیریت یکپارچه**

پروژه‌های مؤثر بر آثار ثبت‌شده باید مشمول ارزیابی اثر میراثی شوند. هم‌زمان، سامانه پایش باید تغییرات حریم و مخاطرات طبیعی و انسانی را ثبت کند تا حفاظت از حالت واکنشی به مدیریت ریسک تبدیل شود (ایکوموس، ۲۰۱۱؛ یونسکو، ۲۰۱۱).

**د) دادرسی تخصصی و سیاست کیفری شبکه‌ای**

پرونده‌های میراث نیازمند دانش حقوقی، باستان‌شناسی، معماری و شهرسازی‌اند؛ از این‌رو استاندارد کارشناسی، فهرست کارشناسان، دستور موقت و اقدامات تأمینی اهمیت دارد. در حوزه کیفری نیز باید از مباشر به شبکه و از مجازات صرف به قطع عواید اقتصادی حرکت کرد.

**هـ) دیپلماسی فرهنگی و بازگردانی**

برای استرداد اموال، ادله منشأ، مالکیت، زمان خروج و مسیر انتقال ضروری است. ایجاد سازوکار ملی هماهنگ‌کننده بازگردانی و بانک اطلاعاتی آثار مسروقه یا در معرض قاچاق، ظرفیت حقوقی ایران را تقویت می‌کند (یونسکو، ۱۹۹۵). یافته نخست آن است که ضعف حمایت از میراث ملموس در ایران را نمی‌توان به فقدان قانون نسبت داد. مجموعه قابل‌توجهی از مقررات وجود دارد، اما پراکندگی آن‌ها هزینه اجرای حقوق را افزایش داده است. بنابراین، اصلاح تقنینی باید انسجام را هدف قرار دهد.

یافته دوم ضرورت تغییر نگاه به تعارض مالکیت خصوصی است. اگر ثبت ملی بدون جبران و مشوق باشد، مالک ممکن است حفاظت را هزینه‌ای یک‌جانبه تلقی کند. در مقابل، حمایت مالی، تسهیلات مرمت و بهره‌برداری سازگار می‌تواند حفاظت را از تعارض صفرجمع به رابطه‌ای مشارکتی تبدیل کند (بلیک، ۲۰۱۱؛ استاماتوپلو، ۲۰۰۸).

یافته سوم، فاصله میان استانداردهای یونسکو و اجرای داخلی است. نظام یونسکو بر مدیریت، پایش، گزارش‌دهی و ارزش جهانی برجسته تأکید دارد، درحالی‌که نظام داخلی در مواردی بر ثبت و واکنش پس از تخریب تمرکز دارد. بومی‌سازی واقعی مستلزم ترجمه استانداردهای مدیریتی به قواعد قابل سنجش داخلی است.

یافته چهارم، ضرورت بازطراحی سیاست کیفری است. قاچاق پدیده‌ای اقتصادی و شبکه‌ای است و تعقیب یک فرد در نقطه کشف الزاماً زنجیره جرم را متوقف نمی‌کند. همکاری قضایی، رهگیری مالی و مصادره عواید باید در کنار جرم‌انگاری قرار گیرد (وردولجاک، ۲۰۱۵؛ سازمان ملل، ۲۰۰۰).

یافته پنجم، مشارکت عمومی باید از ارزش اعلامی به سازوکار حقوقی تبدیل شود. جوامع محلی، مالکان و متخصصان می‌توانند در شناسایی تهدید، پایش و گزارش تخلف نقش داشته باشند و مشروعیت تصمیمات حفاظتی را افزایش دهند (چاو، ۲۰۱۴).

**پیشنهادهای اصلاحی:**

**الف)** تدوین قانون جامع میراث فرهنگی ملموس با پوشش چرخه کامل حفاظت و تقسیم دقیق صلاحیت‌ها.

**ب)** ایجاد آزمون تناسب در محدودیت‌های مالکانه و پیش‌بینی حقوق مالکانه معوض، تسهیلات مالی و معافیت‌های هدفمند.

ج) الزام ارزیابی اثر میراثی برای پروژه‌های مؤثر بر عرصه، حریم یا منظر آثار مهم.

د) ایجاد نظام ملی پایش و گزارش‌دهی داده‌محور با اتصال اطلاعات میراث، شهرداری، شهرسازی، گمرک و پلیس.

هـ) تدوین پروتکل واحد کارشناسی و ایجاد فهرست کارشناسان تخصصی برای دعاوی ثبت، حریم و تخریب.

و) تقویت دستورهای موقت و اقدامات تأمینی در پرونده‌هایی که ادامه مداخله موجب خسارت غیرقابل بازگشت می‌شود.

ی) بازنگری سیاست کیفری با تأکید بر احتمال کشف، ضبط عواید، مصادره ابزار جرم و کنترل بازار غیرقانونی.

## ۶- نتیجه‌گیری

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن بود که چگونه می‌توان نظام حقوقی حفاظت از میراث فرهنگی ملموس در ایران را از رویکردی پراکنده و واکنشی به الگویی منسجم و پیش‌نگر تبدیل کرد. نتایج نشان می‌دهد پاسخ این پرسش، نه در افزایش تعداد قوانین یا تشدید مجازات‌ها، بلکه در ایجاد پیوند ساختاری و کارکردی میان قواعد حقوقی، مسئولیت نهادها و سازوکارهای پیشگیری، نظارت و پاسخ‌گویی نهفته است.

سه یافته اصلی از تحلیل حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی حاصل شد. نخست، مهم‌ترین کاستی نظام حقوقی ایران، فقدان انسجام اجرایی میان مراحل شناسایی، ثبت، حفاظت، مدیریت و رسیدگی به تخلفات است؛ به‌گونه‌ای که وجود مقررات متعدد، لزوماً به حفاظت مؤثر منجر نمی‌شود. دوم، پایداری حفاظت مستلزم برقراری توازن حقوقی میان منفعت عمومی و مالکیت خصوصی از طریق تناسب محدودیت‌ها، جبران منصفانه و مشارکت مالکان است. سوم، بهره‌گیری مؤثر از استانداردهای بین‌المللی نیازمند تفکیک قلمرو تعهدات هر سند و ایجاد ارتباط میان سازوکارهای داخلی حفاظت و ظرفیت‌های همکاری فرامرزی است.

مهم‌ترین دستاورد متمایز پژوهش، ارائه الگوی «حکمرانی پیش‌نگر میراث ملموس» است که برای نخستین‌بار در چارچوب تحلیلی این مقاله، ابزارهای حقوق عمومی، خصوصی و کیفری را در قالب فرایندی واحد و پیوسته به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در این الگو، حفاظت از مرحله شناسایی ارزش تاریخی فراتر رفته و به چرخه‌ای شامل ارزیابی پیشینی خطر، تنظیم حقوق و مسئولیت‌ها، مدیریت یکپارچه، پایش مستمر و پاسخ‌گویی تخصصی تبدیل می‌شود. بدین‌ترتیب، وجه نوآورانه پژوهش، صرفاً پیشنهاد اصلاحات قانونی نیست، بلکه تبیین چگونگی ارتباط و توالی ابزارهای حقوقی در مراحل مختلف حفاظت است.

بر این اساس، اصلاح نظام حقوقی ایران باید بر تدوین چارچوب قانونی منسجم، تعیین روشن صلاحیت نهادها، پیش‌بینی ارزیابی اثر میراثی، تضمین حقوق مالکان، ایجاد نظام یکپارچه اطلاعات و تقویت رسیدگی تخصصی متمرکز شود. این اقدامات در چارچوب پژوهش حاضر، پیشنهادهای تقنینی و نهادی محسوب می‌شوند و نباید با تعهدات الزام‌آور معاهده‌ای یکسان تلقی شوند.

در مجموع، نتیجه اصلی پژوهش آن است که **حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی ملموس، بیش** از تعدد ابزارهای قانونی، به انسجام و پیوستگی عملکرد آن‌ها وابسته است. با این حال، ازآنجاکه پژوهش بر تحلیل اسنادی استوار است، ارزیابی کارآمدی عملی الگوی پیشنهادی مستلزم مطالعات میدانی، بررسی رویه قضایی و سنجش عملکرد نهادهای مسئول در پژوهش‌های آینده خواهد بود.

## ۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

## ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

## منابع

### الف. منابع فارسی

- عباسی، بیژن، «ابعاد حقوقی ثبت آثار تاریخی در فهرست آثار ملی»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۸.

- نوروزی، پیمان و عبودی، ابراهیم، *حقوق کیفری میراث فرهنگی (مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و فقه امامیه)*، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۵.

- توسلی نائینی، منوچهر و شادنوش، امیرحسن، «دادرسی اداری در حوزه میراث فرهنگی غیرمنقول»، *فصلنامه حقوق اداری*، سال پنجم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۶.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، *گزارش‌های کارشناسی درباره یگان حفاظت میراث فرهنگی*، تهران، دفتر مطالعات فرهنگ و هنر، ۱۴۰۱.

### ب. قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸، با بازنگری ۱۳۶۸).

- قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۵۱، با اصلاحات و الحاقات بعدی).

- قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی (۱۳۹۸).

- قانون راجع به حفظ آثار ملی (۱۳۰۹).

- قانون شهرداری (۱۳۳۴، با اصلاحات و الحاقات بعدی).

- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۰۷ – ۱۳۱۴، با اصلاحات بعدی).

- قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده). (۱۳۷۵، مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹، با اصلاحات بعدی).

- لایحه قانونی جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به‌قصد به‌دست‌آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی (۱۳۵۹).

### ج. منابع لاتین

- Blake, J, *International Cultural Heritage Law*. Oxford, Oxford University Press, 2015.

- Blake, J, "Taking a Human Rights Approach to Cultural Heritage Protection", *Heritage & Society*, Vol. 4, No. 2, 2011.

- Chow, P. Y. S, "Culture as Collective Memories: An Emerging Concept in International Law and Discourse on Cultural Rights", *Human Rights Law Review*, Vol. 14, No. 4, 2014.

- Meskell, L, "UNESCO's World Heritage Convention at 40", *Current Anthropology*, Vol. 54, No. 4, 2013.

- Prott, L. V & O'Keefe, P. J, "Cultural Heritage or Cultural Property?", *International Journal of Cultural Property*, Vol. 1, No. 2, 1992.

- Stamatopoulou, E, *Cultural Rights in International Law*, Leiden, Brill, 2008.

- Vrdoljak, A. F, *International Law, Museums and the Return of Cultural Objects*, Cambridge, Cambridge University Press, 2015.

### د. اسناد و منابع بین‌المللی

- International Committee of the Red Cross (ICRC) (2005). *Treaties, States Parties and Commentaries: Islamic Republic of Iran—Cultural Property Treaties*.

- International Council on Monuments and Sites (2011). *Guidance on Heritage Impact Assessments for Cultural World Heritage Properties*. Paris: ICOMOS.

- International Center for the Study of the Preservation and Restoration of Cultural Property, International Council on Monuments and Sites, & UNESCO World Heritage Center (2010). *Managing Disaster Risks for World Heritage*. Paris: UNESCO World Heritage Centre.

- UNESCO (1954). *Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, with Regulations for the Execution of the Convention* (Hague Convention).

- UNESCO (1970). *Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property*.

- UNESCO (1972). *Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage*.

- UNESCO (1999). *Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict*.

- UNESCO (2011). *Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention*. Paris: UNESCO World Heritage Centre.

UNIDROIT. *Convention on Stolen or Illegally Exported Cultural Objects (1995): Status of Contracting States and Iran's accession information*.

- United Nations (2000). *United Nations Convention against Transnational Organized Crime* (Palermo Convention).